

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

از نامه پارسی – بازتاب و ارسال از: آرمان
۰۱ مارچ ۲۰۲۲

در باره برخی از مسائل انقلاب دموکراتیک

(۸)

«از انتقاد نهراسید. هیچ چیز بدون انتقاد حرکت نخواهد کرد.»

«ستالین»

ادامه بخش قبلی (انقلاب روسیه):

برنامه ارضی بورژواها را لنین در مقاله ای که در ماه مه (۱۹۰۶) نوشت با جملات موجز به بهترین شکل توصیف نموده: "آنها (کادت ها) می خواهند که زمینداران سیر بشوند و به دهقانان خسارتی وارد نشود؛ موافق خلع یک قسمت اعظم زمین های اربابی هستند، ولی این کار را اولاً مفروض بر خرید می کنند و ثانیاً خواستار آنند که مسأله راه و روش اجرای اصلاحات ارضی به دست کارمندان لیبرال و نه به دست دهقان های انقلابی حل بشود. در برنامه ارضی شان کادت ها می کوشند که مثل همیشه بین ارباب ها و دهقان ها یعنی بین قدرت دولت قدیم و آزادی خلق ویراژ بدهند [نوسان کنند] (۱۲۱).

گفتم که انقلاب دموکراتیک حتی اگر به تشکیل دیکتاتوری دموکراتیک پرولتاریا و دهقانان بینجامد، باز هم کاراکنتر بورژوائی خود را حفظ خواهد کرد (۱۲۲). این جا ممکن است دو سؤال پیش بیاید؟ یکی این که پس لزوم شرکت پرولتاریا در این انقلاب چیست؟ پرولتاریا از نقطه نظر آمال سوسیالیستی خود چگونه به این انقلاب می نگرد و دوم این که چرا این مرحله باید حتماً طی بشود؟ چرا نباید مستقیماً برای انقلاب سوسیالیستی مبارزه کرد و سوسیال دموکراسی چی لزومی به اتخاذ دو تاکتیک دموکراتیک و سوسیالیستی دارد؟ پاسخ به این سؤال ها در آثار لنین با تفصیل بسیار آمده است. به عمده ترین آن ها توجه کنیم:

وجود پرولتاریا به عنوان تنها طبقه ای که منافع خود را در تحقق جامعه سوسیالیستی می بیند، بستگی به وجود کاپیتالیزم دارد؛ بدون وسائل و مناسبات تولیدی کاپیتالیزمی پرولتاریائی وجود نخواهد داشت که بخواهد برای ایجاد جامعه سوسیالیستی مبارزه کند. این ها در مبارزه با فئودالیسم و در روند نفی تجهیزات و مناسبات تولیدی آن پیدایش یافته و پرورش می یابند. بنابر این، پرولتاریا برای رشد وجودی و سپس سیاسی و تشکیلاتی خود به رشد سرمایه داری ذی علاقه است؛ باید برای تحقق آن وارد مبارزه با فئوالیسم و بقایای آن بشود و به پروسه زایش و پرورش سرمایه به عنوان شرط پیدایش و پرورش خود یاری بدهد، یعنی باید در انقلاب بورژوائی شرکت کند.

مرحله سرمایه داری به عنوان مرحله گذر از فئودالیسم به سوسیالیسم اجتناب ناپذیر است؛ زیرا طبقه ای که باید واسط این گذر باشد، فقط در اثر پیدایش کاپیتالیسم است که پا به عرصه وجود می گذارد. لنین در دو تاکتیک سوسیال دموکراسی در انقلاب دموکراتیک به اجتناب ناپذیری سرمایه اشاره می کند و می گوید که روسیه قادر به پریدن از روی این مرحله و یا دور زدن و یا از کنار آن گذشتن نیست (۱۲۳). او پیدایش و رشد کاپیتالیسم را راه رهایی پرولتاریا می شمارد (۱۲۴) و فکر این را که رهایی پرولتاریا جز از طریق تکامل سرمایه داری به نحو دیگری هم ممکن خواهد بود، ارتجاعی می خواند (۱۲۵). در کشور عقب مانده ای مثل روسیه سال ۱۹۰۲ تحقق هدف های سوسیالیستی غیرممکن هستند (۱۲۶)، چه در این حالت اقتصادی عقب مانده، درجه آگاهی طبقاتی و رشد تشکیلاتی پرولتاریا که ضرورتاً در سطح نازلی قرار دارد، اجازه رهایی کامل این طبقه را نمی دهد (۱۲۷). در این مرحله پرولتاریا آن قدر از کاپیتالیسم رنج نمی برد که از تکامل ناکافی آن، پس پرولتاریا به وسیع ترین و آزاد ترین رشد سرمایه داری بدون قید و شرط علاقه مند است (۱۲۸).

سرمایه داری و دموکراسی بورژوائی از لحاظ تاریخی نسبت به تزاریسیم قدمی جلو تر هستند (۱۲۹)، آن چه برای پرولتاریا در انقلاب دموکراتیک اهمیت ویژه دارد، نفی استبداد و استقرار آزادی های دموکراتیک است، زیرا که ابسولوتیسم [مطلقیت فئودالی یا شاهی مطلقه - ویراستار] مانع اصلی جنبش کارگری است (۱۳۰). پرولتاریا برای رهایی خود و کارگران کشاورزی شدیداً و بیش از همه طبقات به آزادی نیازمند است (۱۳۱). دموکراسی بورژوائی شرط امکان مبارزات سوسیالیستی طبقه کارگر (۱۳۲) و تشکیل حزب پرولتاریائی است (۱۳۳). بدون انقلاب دموکراتیک، انتظار تکامل لازم سازمان طبقه رهبری کننده انقلاب سوسیالیستی را نمی توان داشت (۱۳۴). علاوه بر این، شرکت در جنبش دموکراتیک کارگر را صاحب آگاهی و تربیت انقلابی می کند (۱۳۵). انقلاب بورژوائی بهترین وسیله افشای ماهیت طبقات و تضاد های آن ها است. در این مبارزه چهره بورژوازی بر ملا می شود و پرولتاریا به ماهیت استثمارگر آن آگاهی بیشتری پیدا می کند (۱۳۶).

برای پیروزی انقلاب دموکراتیک، پرولتاریا باید با دیگر توده های خلقی متحد شود؛ زیرا این انقلاب بنابر ماهیت خود تأمین کننده منافع خلقی است که علاوه بر پرولتاریا بعضی دیگر از اقشار اجتماعی را هم شامل است. در این انقلاب اقشار و طبقات انقلابی و خلقی دارای اراده ای واحد هستند (۱۳۷)؛ پرولتاریا ناچار است که منافع دیگر اقشار خلقی را مراعات بکند و آگاه باشد که منافع آن ها به شیوه تولید کالائی و شناخت مالکیت خصوصی وسائل تولید وابسته است. او باید به این واقعیت توجه داشته باشد که دهقانان، یعنی این متحدان مرحله ای او، دید وسیع تر از انقلاب بورژوائی و محدودیت های اقتصادی آن ندارند (۱۳۸). آن ها خواهان تقسیم زمین و ایجاد سازمان های تولیدی کوچک خانوادگی هستند. (۱۳۹) پرولتاریا اگر بخواهد در این مرحله انقلاب متحدان خود را از دست ندهد، باید این واقعیات را بپذیرد و از طرح شعار های انقلاب سوسیالیستی در این مرحله دوری گزیند. او باید برای این انقلاب هدف هائی قائل بشود و شعارهائی را اعلام بنماید که تحقق آنها از دایره قبول متحدان خلقی اش خارج نشود. علی رغم همه این محدودیت ها، انقلاب بورژوا دموکراتیک برای پرولتاریا در بر گیرنده عالی ترین درجات سودمندی است و ضرورت آن برای منافع این طبقه بی قید و شرط است (۱۴۰). "انقلاب دموکراتیک از بعضی لحاظ حتی برای کارگران مفید تر است، تا برای بورژوازی"، "زیرا برای بورژوازی بهتر آن است که برای مقابله با پرولتاریا به بعضی از بقایای دنیای قدیم تکیه بکند، مثلاً به سلطنت بارنر ثابت به نظایر آن" (۱۴۱). "نفع بورژوازی در آنست که انقلاب بورژوائی قاطعانه با تمام بقایای دنیای قدیم روبه رو شود، آن ها را جارو نکند "تا" انقلاب با پی گیری کامل به نتیجه نرسد. بنابر این، کارگران به پیروزی انقلاب بورژوائی علاقه مند تر از خود بورژوازی هستند و به همین علت به شکل قاطعانه

تر در آن شرکت می‌کند و بهتر می‌جنگد. این فکر که انقلاب بورژوازی بیانگر منافع کارگران نیست، کاملاً پوچ است. این فکر یا منجر به همان تئوری قدیمی خلقیون (نارودنیک‌ها) می‌شود که انقلاب بورژوائی را خلاف منافع پرولتاریا می‌دانستند و احتیاج به آزادی‌های سیاسی را منکر می‌شدند و یا به انارشیزم می‌انجامد که ردکننده هر گونه شرکت پرولتاریا در سیاست و انقلاب بورژوائی است (۱۴۲). وظیفه حزب پرولتاریائی در رابطه با انقلاب دموکراتیک این است که در آن شرکت بکند، در آن جا به تبلیغ ایده‌های دموکراتیک و افشای افسوسناک پیردازد و ماهیت طبقاتی و لزوم سرنگونی آن را برای خلق آشکار نماید (۱۴۳). پرولتاریا نه تنها باید در این مبارزه شرکت فعال داشته باشد، بلکه وظیفه مند است که پیروزی قطعی انقلاب و نابودی کامل مالکیت قرون وسطائی اربابی را ضامن بشود. او باید انقلاب را به انتها برساند؛ چهارچوب آن را وسعت بدهد و نگذارد که رفورمیسم بورژوائی آن را مسخ نماید. باید با جلب دهقانان به جانب خود و عقد اتحاد با آنها، از گرایش‌های شان به بورژوازی جلوگیری کند (۱۴۴). انقلاب بورژوائی هر قدر قاطعانه‌تر باشد، به پرولتاریا امکانات بیشتری برای تدارک پیروزی نهائی‌تر می‌دهد (۱۴۵). عدم شرکت پرولتاریا و عناصر پرولتاریائی در مبارزات دموکراتیک خیانت به سوسیالیسم است (۱۴۶). با این همه، پرولتاریا در ضمن شرکت در انقلاب دموکراتیک نباید از منافع طبقاتی خاص خود غافل باشد، نباید تضاد هائی را که او و بورژوازی را از هم جدا می‌کند، از نظر دور بدارد؛ نباید در جنبش عام دموکراتیک حل شود (۱۴۸) و یا این که در ضمن مبارزه علیه استبداد و فئودالیسم و یا بقایای آن، مبارزه خود علیه بورژوازی را تعطیل کند؛ پرولتاریا باید استقلال عمل و استقلال سازمانی حزب خود را حفظ نماید؛ آن را دائماً عمیق‌تر بسازد (۱۴۹) و با ایجاد نزدیک‌ترین وحدت‌ها با پرولتاریای روستائی، طبقه‌اش را برای آن زمانی که با متحدان موقتی‌اش ترک وحدت می‌گوید و برای تحقق سوسیالیسم با آنها وارد مبارزه می‌گردد، آماده سازد (۱۵۰). شرکت پرولتاریا در مبارزات دموکراتیک به معنای تعطیل مبارزات سوسیالیستی نیست، این در مبارزه دو جنبه مختلف مبارزات طبقاتی او را تشکیل می‌دهند (۱۵۱). او در فعالیت اجتماعی و سیاسی خود در مرحله انقلاب دموکراتیک از دو تاکتیک پیروی می‌کند؛ تاکتیک مبارزه دموکراتیک و تاکتیک مبارزه سوسیالیستی. (۱۵۲) این دو مبارزه در این مرحله در مجاورت و تقارن با یکدیگر انجام می‌گیرند؛ ولی از نقطه نظر امکان تحقق هدف‌ها، مبارزه دموکراتیک بر مبارزه سوسیالیستی تقدم دارد؛ زیرا راه سوسیالیسم از طریق دموکراتیسم عبور می‌کند؛ برای نیل به سوسیالیسم راهی جز از طریق دموکراتیسم و تأمین آزادی‌های سیاسی، وجود ندارد (۱۵۳). تمیز این واقعیت یکی از عمده‌ترین مسائل رهبری جنبش طبقه کارگر و دهقانان است. آن‌ها که این دو قدم را با هم مخلوط می‌کنند، مردم را فریب می‌دهند و در چشم آن‌ها خاک می‌پاشند (۱۵۴).

لنین در سال ۱۹۰۲ در مقاله‌ای که به اسم وظایف سوسیال دموکراسی نوشت و در جاهای دیگر، جنبه‌های دوگانه مبارزه طبقاتی پرولتاریا در مرحله انقلاب دموکراتیک را توضیح داد. به نظر او محتوای تبلیغاتی مبارزات سوسیالیستی این مرحله عبارت‌اند از: "تبلیغ تعلیمات سوسیالیسم علمی در میان کارگران و آشنا ساختن درست آنها با نظام اقتصادی - اجتماعی موجود، بانی و تکامل آن، طبقات مختلف جامعه روسیه، رابطه آن‌ها با یکدیگر، مبارزات آن‌ها با یکدیگر، نقش طبقه کارگر در این مبارزه، رابطه آن با طبقات در حال سقوط و طبقات در حال رشد، رابطه آن با گذشته و آینده سرمایه داری و وظایف تاریخی سوسیال دموکراسی جهانی و طبقه کارگر روسیه" (۱۵۵). وظایف ترویجی (اژیتاسیون) سوسیالیستی این دوره سوسیال دموکرات‌ها شامل شرکت آنها در مبارزات خود به خودی طبقه کارگر و شرکت در همه منازعاتی می‌باشد که بین کارگران و سرمایه داران به خاطر طول کار، مزد و شرایط کار و غیره صورت می‌گیرد. سوسیال دموکرات‌ها موظف‌اند که کار خود را با مسائل عملی و روزمره زندگی

کارگران به نزدیک ترین وجه پیوند بدهند؛ آن ها را در پیدا کردن راه حل صحیح این مشکلات یاری بدهند؛ توجه کارگران را به خشن ترین سوء استفاده گری ها عطف بکنند؛ به آن ها در بیان دقیق تر و مشخص تر مطالبات شان کمک برسانند و بین آن ها حس همکاری و مساعدت ایجاد نموده به منافع مشترک تمام کارگران روسی، به عنوان طبقه کارگری که بخشی از ارتش پرولتاریای جهانی را تشکیل می دهد، آشنای شان بسازند (۱۵۶).

بعضی از وظائف دموکراتیک عناصر پرولتاریائی و سوسیال دموکرات ها در انقلاب دموکراتیک عبارت اند از: تبلیغ ایده های دموکراتیک، افشای ابسولوتیسم و لزوم سقوط آن، تبلیغ این که حل مسائل خاص طبقه کارگر بدون کسب آزادی های سیاسی و بدون دموکراتیزه کردن زندگی سیاسی و اجتماعی جامعه ممکن نیست. تبلیغ علیه ترور پولیس، محدودیت حقوق کارگران به طور اخص و همه طبقات ستمدیده به طور اعم (۱۵۷).

ادامه دارد